



بررسی وضعیت اقتصادی اتحادیه اروپا

محمدعلی شجاع‌حیدری^۱، رضا شجاع‌حیدری^۲، عطااله امیدواری^۳، سامان محمدی تهرودی^۴

چکیده

بحران مالی و اقتصادی جهان که از ایالات متحده آمریکا کلید خورد، به سرعت در میان سایر کشورهای عضو نظام سرمایه‌داری شیوع یافت و دامن آن‌ها را نیز گرفت. اتحادیه اروپایی به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل با شالوده سیاسی و اقتصادی لیبرال دموکراتیک استثنایی بر این امر نبود، اما آنچه بیش از همه اهمیت این بحران و مدیریت آن در اتحادیه اروپایی را نزد تحلیلگران برجسته‌تر ساخت، تأثیر این بحران بر روند تجاری، امنیتی و سیاسی اروپایی بود. بدین منظور هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ بود. این پژوهش از نظر ماهیت پژوهش، در زمره پژوهش‌های تحلیلی-استنباطی و از نظر هدف پژوهش، در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا می‌باشند. همچنین به منظور گردآوری اطلاعات داده‌ها از آمار منتشرشده بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۲۲ استفاده شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای Excel و Eviews استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲۲ تریلیون دلار هست که پیش‌بینی شده است این مقدار در سال ۲۰۲۳ به ۲۴٫۲ تریلیون دلار برسد. همچنین رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲٫۵ درصد هست که پیش‌بینی شد این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۱٫۸ درصد کاهش یابد. شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۴۳٫۱ تریلیون دلار هست که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۵۰٫۲ تریلیون دلار افزایش یابد. همچنین میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۲٫۲ و ۲٫۴ تریلیون دلار هست که حاکی از قدرت تولید و رقابت‌پذیری تولیدات این اتحادیه در مقابل دیگر کشورهای ابرقدرت دنیا هست. با توجه به نتایج اتحادیه اروپا با رقم ۲۲۲ میلیارد دلار بزرگ‌ترین واردکننده نفت در دنیا به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، بحران اقتصادی، بحران مالی، رشد اقتصادی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، نویسنده مسئول mohammadalish_419@gmail.com^۲ دانشجوی دکتری تخصصی رشته مدیریت برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی کیش، Rezashoja6611@gmail.com^۳ دانشجوی دکتری تخصصی رشته مدیریت برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی کیش، Imanomidvari1980@gmail.com^۴ کارشناس ارشد، اقتصاد کشاورزی، گرایش سیاست و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران s.mohammadiwisdom@gmail.com



امروزه یکی از موضوعات مهمی که در کانون توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی، فارغ از هرگونه گرایش فکری و مکتبی وجود دارد، مسئله رشد اقتصادی است (بولت و وان‌زاندن^۱، ۲۰۲۳؛ مسعود^۲، ۲۰۲۲). اهداف اولیه جامعه اقتصادی اروپا که بیشتر اقتصادی و معطوف به منافع تجاری و گمرکی بود، اکنون بسیار گسترش‌یافته و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فضایی، پولی و فرهنگی را در برمی‌گیرد (مترسون^۳، ۲۰۲۲). اتحادیه^۴ تلاش دارد در مسائل سیاست خارجی و امنیتی-دفاعی، پول و سیستم اقتصادی واحد، مسائل اجتماعی، قضایی و فرهنگی نیز سیاست‌های خود را نزدیک و منسجم کند و تاکنون در بسیاری از موارد نیز به اهداف خود رسیده است (وو، چانگ و وانگ^۵، ۲۰۲۱). اتحادیه اروپایی^۶ با اکثر سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای ارتباط دارد. این اتحادیه بزرگ‌ترین قطب تجاری جهان را تشکیل می‌دهد و ۲۹ درصد از مبادلات تجاری جهان را در اختیار دارد. تولید ناخالص داخلی اتحادیه ۹۰۰۰ میلیارد دلار و تقریباً نزدیک به تولید ناخالص داخلی آمریکا است. متوسط درآمد سرانه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی ۱۸۰۰۰ دلار است. حدود ۶۸ درصد از کل مبادلات تجاری اتحادیه با اعضای آن و تجارت بین اعضای آن صورت می‌گیرد که این روند همواره در حال افزایش بوده است (دوره و تیژیا^۷، ۲۰۲۱).

▪ فصل اول: کلیات و مفاهیم پژوهش

۱-۱- بیان مسئله

اتحادیه یک مجموعه سیاسی-امنیتی و اقتصادی با سابقه است و در بین اتحادیه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای جهان، حرفه‌ای‌ترین و باتجربه‌ترین آن است (قربانی و شایان‌مهر، ۱۴۰۰). ترکیب کشورهای اتحادیه، تشکیل‌دهنده یک بلوک قدرتمند سیاسی، اقتصادی، تجاری، مالی، علمی و صنعتی است که به‌عنوان کشورهای ثروتمند و تأثیرگذار در سطح بین‌الملل مطرح هستند (برونز و لوآندیس^۸، ۲۰۲۰). اتحادیه و اعضای اصلی آن از بازیگران عمده در سازمان‌های بین‌المللی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی دنیا بوده و خط دهی و سیاست‌گذاری در این سازمان‌ها عمدتاً در دست کشورهای غربی و اروپاست. لذا از این نظر اتحادیه دارای یک پتانسیل قوی جهت رایزنی در این مجامع بین‌المللی است. این اتحادیه شامل ۲۸ کشور عضو است که ۱۵ کشور آن پیشرفته صنعتی جهان می‌باشند (اسن و کیچیل^۹، ۲۰۲۲؛ هوآنگ و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۱).

¹ Bolt J, van Zanden JL.

² Masood

³ Masterson

⁴ union

⁵ Wu C-F, Chang T, Wang C-M

⁶ European Union

⁷ Doré NI, Teixeira AAC.

⁸ Bruns SB, Ioannidis JPA

⁹ Esen E, Keçili MÇ

¹⁰ Huang et al



با ورود جهان به قرن بیست و یکم، روند عمومی و آشکار کند شدن رشد اقتصادی در همه کشورهای جهان و به ویژه ابرقدرت‌ها به وضوح دیده می‌شود یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش رشد اقتصادی، عامل رکود می‌باشد (مدینگی و هو^۱، ۲۰۲۱). رکود حالتی است که در آن اکثر فعالیت‌های اقتصادی کشور برای دوره‌ای با کاهش زیادی روبرو می‌شود. رکود بر حوزه‌های مختلفی تأثیر می‌گذارد: تولید، اشتغال، بازارهای پولی و مالی و غیره. رکود، رشد اقتصادی را متوقف می‌کند و موجب می‌شود معمولاً آمارهایی نظیر تولید ناخالص داخلی در دوران رکود هر سال نسبت به سال قبل با کاهش چشمگیری روبرو شوند (آفونسو و همکاران^۲، ۲۰۲۰؛ میرفخرایی، ۱۳۹۴). رکود یک بخش طبیعی (اما ناخوشایند) از چرخه اقتصاد و تجارت است. معمولاً بحران‌هایی که اتفاق می‌افتند، می‌توانند آغازگر یک رکود باشند. رکود جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ توجهات زیادی به استراتژی‌های سرمایه‌گذاری ریسکی که توسط مؤسسات بزرگ مالی در کنار طبیعت جهانی سیستم مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد به همراه داشت. چنین رکودی، باعث شد تقریباً همه کشورهای جهان اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه از این شکست بزرگ رنج برند و سیاست‌های متعدد دولتی برای کمک به جلوگیری از بحران مالی آینده آن‌ها پیاده‌سازی شود (ریچمن و وانگ^۳، ۲۰۲۰).

اگرچه اتحادیه اروپا باهدف افزایش همکاری‌ها و اتحادیه میان کشورهای اروپایی شکل گرفت، اما در حال حاضر بحران مالی و وضعیت وخیم برخی کشورهای عضو، اهداف اصلی تشکیل این اتحادیه را مورد تهدید قرار داده است. بحران مالی کنونی در اروپا بزرگ‌ترین مسئله‌ای است که فرایند همگرایی اروپایی از آغاز تاکنون با آن مواجه بوده است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی وضعیت اقتصادی در اتحادیه اروپا و عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشد. به عبارتی سوال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت اقتصادی در اتحادیه اروپا چگونه است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

رشد اقتصادی در منطقه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲ درصد بود. این میزان کمتر از سال ۲۰۲۱ بود (۲٫۴ درصد)، زمانی که توسعه اقتصادی توسط عوامل خارجی حمایت می‌شد، تجارت خالص سهم قابل توجهی داشت. کاهش رشد اقتصادی در منطقه یورو ناشی از عوامل خارجی و داخلی بوده است. اولین عامل، کاهش سرعت رشد تجارت جهانی می‌باشد. در سال ۲۰۲۲، کاهش رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا با سهم کمی از صادرات خالص نسبت به سال ۲۰۲۱، از ۰٫۶٪ به ۰٫۵٪ تعیین شد. ثانیاً تعدادی از عوامل داخلی بر فعالیت‌های اقتصادی در سال ۲۰۲۲ تأثیر گذاشته‌اند که عبارت‌اند از (وارینگانی و همکاران^۴، ۲۰۲۳):

۱. عوامل داخلی موقت، مانند اعتصابات، شرایط آب و هوایی فوق‌العاده، بار مالیاتی بالاتر برای مصرف‌کنندگان و مرخصی پزشکی غیرمعمول بالا.

¹ Mdingi K, Ho S-H

² Afonso

³ Rickman D, Wang H. U.S

⁴ Varingani et al



۲. خودروسازان اروپایی، به‌ویژه آن‌هایی که در آلمان هستند، با معرفی «روش‌های تست خودروهای سبک هماهنگ جهانی» در ماه سپتامبر، مشکلاتی داشتند که باعث وقفه در تولید شد.

۳. مشکلات حمل‌ونقل ناشی از سطح آب رودخانه‌ها، به‌عنوان مثال در راین.

۴. ناآرامی اجتماعی در فرانسه، بلا تکلیفی سیاسی در ایتالیا و سایر کشورهای دارای مشکلات خاص. اتحادیه اقتصادی اروپا در ابتدا خوب عمل کرد و کشورهای عضو را متعهد ساخت تا استانداردهای مالی و تورمی را که نیازمند پیوستن به اتحادیه است، اجرا نمایند. اجرای این سیاست‌ها ریسک مربوط به نرخ ارز را کاهش داد و موجب شد زمینه استقراض کاهش یابد (رضوانیان و خسروخاکپور، ۱۴۰۱). بانک‌های مرکزی کشورهای عضو در بانک مرکزی اروپا ادغام شدند. تصمیمات مربوط به عرضه پول از طریق این بانک انجام می‌شد و یک شورای اداره‌کننده متشکل از نمایندگان کشورهای عضو در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های پولی نقش داشتند (کوآرشنا و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

کشورهای عضو یورو در طول یک دوره تا قبل از سال ۲۰۰۷ از یک ثبات مالی برخوردار بودند. چشم‌انداز رشد برای کشورهای ضعیف‌تر اروپایی سرمایه فراوانی فراهم آورد، اما نرخ بهره پایین منجر به استقراض بیشتر و ایجاد حباب‌های تورمی در برخی از کشورهای عضو گردید. این کشورها فراتر از توانایی‌شان در بازپرداخت بدهی‌ها استقراض نمودند و به‌تدریج به دیگر کشورهای حوزه یورو بدهکارتر شدند (اوزکان و اوزتورک^۲، ۲۰۱۹). منابع قرض گرفته‌شده به‌جای آنکه در بخش صادرات هزینه شوند به بخش‌های غیرتجاری منتقل شدند. سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و مستغلات افزایش یافت و دولت‌ها این منابع را صرف مخارج مصرفی خود کردند. نتیجه آن، افزایش تقاضای داخلی و بالا رفتن دستمزدها و قیمت‌ها بود. از سوی دیگر، رقابت‌پذیری این کشورها نسبت به سایر کشورهای جهان کاهش یافت. ادغام چین و سایر اقتصادهای نوظهور در زنجیره تولید جهانی موجب شد که سهم کشورهای ضعیف‌تر حوزه یورو در اقتصاد جهانی کاهش یابد (دیبولت و هایپ^۳، ۲۰۲۲).

بحران اقتصادی اروپا که نشانه‌هایش از سال ۲۰۰۸ نمایان گردید اینک پس از گذشت چند سال از عمر آن، به یک تهدید وجودی برای اتحادیه اروپا تبدیل شده است (گاردینر و هاجک^۴، ۲۰۲۰). در حقیقت، ریشه اصلی بحران یادشده را باید در آمیخته شدن سه عامل جهانی شدن اقتصاد؛ بحران آمریکا و تسری آن به بازارهای مالی اروپا؛ و بی‌انضباطی مالی اقتصادهای ناهماهنگ و نامتوازن کشورهای عضو یورو جستجو نمود. اروپایی‌ها با پشت سر گذاشتن تجربه بحران مالی دهه ۱۹۳۰ به‌خوبی می‌دانند که اگر بحران مالی مهار نشود، عواقب آن تنها در نهادها و بازارهای مالی باقی نمانده و می‌تواند محیط سیاسی و اجتماعی کل منطقه را تحت تأثیر قرار

¹ Cuaresma et al

² Ozcan B, Ozturk I.

³ Diebolt C, Hippe R

⁴ Gardiner R, Hajek P.



دهد (کارتنی و همکاران^۱، ۲۰۲۱). افزایش رکود و رشد بیکاری نتایج مستقیم هرگونه بحران مالی است، دو پیامدی که آثار آن را می‌توان بلافاصله در خیابان‌های شهرهای اروپایی در قالب انواع تظاهرات، اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی مشاهده نمود که البته این اول ماجرا است. شکست احزاب حاکم در موسم انتخابات و سقوط دولت‌های آنان (مانند آنچه در فرانسه، یونان و ایتالیا رخ داد) و گسترش بی‌اعتمادی و دلسردی از لزوم و ضرورت همگرایی اروپایی از اولین هزینه‌های گسترش بحران است (اورلیک و همکاران^۲، ۲۰۲۰). با تسری بحران مالی اروپا به بیشتر کشورهای اروپایی دو فرآورده هم‌گرایی اروپایی که عالی‌ترین نماد و شاخص ادغام اجتماعی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشند، یعنی اروپایی بدون مرز و پول واحد، مورد نقدهای آتشین احزاب راست و چپ افراطی و همدلی بسیاری از شهروندان با آنان واقع شدند: اروپای بدون مرز از آن‌جهت که با هموارسازی انواع مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی زمینه کسب‌وکار و اشتغال را برای اروپایی‌ها کم رونق کرده است و پول واحد نیز از آن‌سو که به واسطه نظام‌های مختلف بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی ملی، اعضای یورو را مقروض و بدهکار ساخته است (آگاسیتی و برتولیت^۳، ۲۰۲۲).

۱-۳- اهداف پژوهش

➤ هدف اصلی:

- بررسی وضعیت اقتصادی در اتحادیه اروپا

➤ اهداف فرعی:

- بررسی جمعیت اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی رشد اقتصادی اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳.
- بررسی واردات نفت اتحادیه اروپا طی سال ۲۰۲۲.

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- تاریخچه اتحادیه اروپا

وضعیت اروپا بعد از جنگ جهانی دوم بسیار آشفته بود. در فاصله کوتاهی، در این قاره دو جنگ خونین روی داده بود. بعلاوه، از قرون وسطی به بعد، کشورهای اروپائی مرتب با یکدیگر جنگ و جدال داشته‌اند. به این خاطر، روابط بین کشورها بسیار بد شده بود. سرانجام، بعد از دو جنگ جهانی خانمان‌برانداز، سران کشورهای

¹ Cartone et al

² Orlik et al

³ Agasisti T, Bertolletti A.



اروپا به این نتیجه رسیدند که تنها راه جلوگیری از جنگ این است که با یکدیگر همکاری داشته باشند (انصاری سامانی و عزیزاده وجقا، ۱۳۹۸).

این همکاری اول در زمینه تجارت و اقتصاد شروع شد. کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ بسیاری از اختلافاتشان را کنار گذاشته و در زمینه تولیدات صنایع زغال سنگ و فولاد شروع به همکاری نمودند. سپس این همکاری به سایر امور زندگانی مردم این نواحی توسعه یافت. بازار مشترک اروپا و سازمان های دیگری برای این همکاری های اقتصادی تأسیس گشتند. در سال ۱۹۶۷ میلادی، برای سازمان ها و تشکیلات مختلف، سازمانی مرکزی به نام جامعه اروپا یا جوامع متحد اروپا بنیان گذاشته شد. جامعه اروپا شامل شوراها و گروه های مشترکی برای همکاری تمام کشورهای عضو بود (رضوانیان و خسروخاکپور، ۱۴۰۰).

در دهه ۱۹۷۰ میلادی، با پیوستن اعضای جدید، جامعه اروپا رو به توسعه پیدا کرد. در سال ۱۹۷۲ میلادی، برای اولین بار، اتباع کشورهای عضو جامعه اروپا توانستند به روش رأی گیری مستقیم، نمایندگان خود را برای پارلمان جامعه اروپا انتخاب نمایند. در سال ۱۹۹۲ میلادی، کشورهای عضو جامعه اروپا پیمان همکاری های بیشتری مابین خودشان منعقد نمودند. نام جامعه اروپا نیز به اتحادیه اروپا تغییر داده شد. این پیمان در شهر ماستریخت^۱ هلند منعقد گردید؛ به همین مناسبت این پیمان در متن عهدنامه اتحادیه اروپا، به نام پیمان ماستریخت درج شده است (قربانی و شایان مهر، ۱۴۰۰). فنلاند در سال ۱۹۹۵ میلادی به اتحادیه اروپا پیوست. پیش از آن؛ یعنی از سال ۱۹۷۳ میلادی، فنلاند یکی از امضاء کنندگان پیمان تجارت آزاد اروپا بوده است. پیمان تجارت آزاد به طرفین این پیمان اجازه می داد که بدون پرداخت حقوق گمرکی با یکدیگر مبادلات تجاری داشته باشند (میرفخرایی، ۱۳۹۴).

۲-۲- اتحادیه اروپا از حرکت تکامل گرایانه تا سکون

اتحادیه اروپا در میان نهادها و سازمان های منطقه ای و جهانی موقعیتی خاص و ممتاز دارد. در حقیقت، اتحادیه اروپا نه سازمانی بین الدولی و نه نهادی فراملی است. بلکه این اتحادیه باهدف رسیدن به اروپای متحد، ترکیبی از نهادهای بین الدولی و فراملی را در خود جای داده است. اتحادیه اروپا موفق شده است تا در قاره ای که به واسطه دو جنگ جهانی اول و دوم و نیز جنگ سرد چندپاره شده بود، گام های مهمی را در مسیر انسجام و برقراری صلح و وحدت اروپایی بردارد. افزون بر آن، این اتحادیه با بازسازی اقتصادی خود، هم اکنون به عنوان یک قطب اقتصادی قدرتمند مطرح می باشد (بیانچی و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

در یک چشم انداز فراگیر شاید بتوان وجوه اهمیت اتحادیه اروپا را به قرار زیر برشمرد: نخست، اتحادیه اروپا بر زندگی اجتماعی و وضعیت اقتصادی بسیاری از شهروندان اروپایی تأثیری بسزا و شگرف بر جای گذاشته است. ایجاد بازار اقتصادی واحد در درون اتحادیه به معنای آن است که بسیاری از شرکت های اروپایی

^۱ Maastricht

^۲ Bianchi et al



می‌توانند عملیات اقتصادی و تجاری و جابجایی پول، سرمایه و خدمات خود را با تسهیلات ویژه‌ای انجام دهند. اکثر شهروندان اروپایی نیز قادر هستند تا ورای مرزهای ملی خود از موقعیت‌های اقتصادی و شغلی بهره ببرند (بنوس و همکاران^۱، ۲۰۱۵).

دوم، اتحادیه اروپا را باید پروژه صلح در اروپا دانست، بدین معنا که آغاز فرایند همگرایی اروپایی نقطه پایانی برای جدال‌های ژئوپولیتیک سنتی آلمان و فرانسه به شمار می‌آید، جدال‌هایی که با تشکیل امپراتوری آلمان در ۱۸۷۰ آغاز و پس از پشت سر گذاردن دو جنگ جهانی اول و دوم در ۱۹۴۵، به پایان رسید. طرح شومان، وزیر خارجه وقت فرانسه مبنی بر تشکیل جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا به‌عنوان پایه نخستین همگرایی اروپایی و جلب مشارکت آلمان غربی در این طرح که بلافاصله با استقبال مقامات برلین مواجه شد، نقطه آغازین اجرای پروژه صلح در اروپا بود. همچنین اتحادیه اروپا با باز کردن دروازه‌های عضویت خود به‌سوی کشورهای بلوک شرقی اروپا با پیشینه نظام کمونیستی و تلاش برای ادغام آن‌ها در نظام لیبرال دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد، گام مهمی به سمت اروپای بزرگ برداشته است؛ هرچند آن‌چنان‌که در ادامه خواهد آمد، این موضوع خود با تنگناهایی نیز همراه بوده است (یو، فانگ و دانگ^۲، ۲۰۲۰).

سوم، اتحادیه اروپا، سازمانی منطقه‌ای بانفوذی جهانی است که نمونه آن را می‌توان در حضور اتحادیه در بسیاری از بحران‌های فرا منطقه‌ای و نیز مذاکرات گسترده تجاری با قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان نظیر آمریکا، چین، هند، برزیل، ژاپن و روسیه مشاهده نمود. در حقیقت، اتحادیه اروپا باهدف دستیابی به یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک، در تلاش است که به‌تدریج از قامت یک بلوک اقتصادی منطقه‌ای صرف بیرون آمده و به‌سوی یک قدرت تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل حرکت نماید (موس و بروکل^۳، ۲۰۲۰).

وجه چهارم و اهمیت اتحادیه اروپا، ماهیت آن است. هم‌چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، اتحادیه اروپا نه یک دولت فدرال است و نه یک سازمان بین‌الدولی امنیتی نظیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و یا یک سازمان اقتصادی همچون صندوق بین‌المللی پول می‌باشد. درواقع، اتحادیه اروپا ترکیبی از نهادهای بین‌الدولی، ارتباطات فراملی و نظام‌های حکومتی را در خود جای داده است. شاید دلیل ممتاز بودن این اتحادیه و جلب توجه بیشتر نظریه‌پردازان بین‌المللی به این پدیده، همین باشد. درحالی‌که برخی سیاستمداران اروپایی سودای تبدیل اتحادیه به یک ایالات‌متحده اروپا را در سر می‌پروراندند، عده‌ای دیگر از آن واهمه دارند که اتحادیه اروپا به چنین مرحله‌ای برسد. بهره سخن در این قسمت اینکه با توجه به دسترسی و نفوذ جهانی اتحادیه و نیز بافت پیوندی و پیچیده آن، اتحادیه اروپا را می‌توان یک‌نهاد چندوجهی نامید که از سازمان‌ها و اتحادیه‌های مشابه خود متمایز است (میرسون و پاتیسون^۴، ۲۰۲۰).

¹ Benos et al

² Yu B, Fang D, Dong F.

³ Mewes L, Broekel T.

⁴ Morisson A, Pattison M



با این همه نباید از نظر دور داشت که به باور بسیاری از تحلیل‌گران همگرایی اروپایی، پدیده اتحادیه اروپا عمدتاً محصول اقدامات و تدابیر دیپلمات‌ها، سیاستمداران و بوروکرات‌هایی است که در مسیر پیشبرد سیاست‌های خود چندان نتوانسته‌اند نظر موافق و مشارکت عامه شهروندان اروپایی را جلب نمایند. به همین واسطه افرادی همچون پل مگنت^۱ معتقدند هیچ‌یک از نظریات متعارف و رایج همگرایی اروپایی نظیر کارکردگرایان، نو کارکردگرایان، فدرالیست‌ها و پلورالیست‌ها و بین‌الدولی‌گرایان نتوانسته‌اند تحلیل قانع‌کننده‌ای نسبت به ماهیت اتحادیه اروپا ارائه دهند. اتحادیه اروپا در راستای رسیدن به این بافت پیوندی و پیچیده خود طی نیم‌قرن گذشته، مراحل تکاملی مختلفی را طی نموده است (کیرولی و گوانو، ۲۰۲۰).

۲-۳- بحران مالی اتحادیه اروپا: دلایل و دورنما

اگرچه طی پنج سال گذشته اعضای منطقه یورو تمام تلاش خود را کرده‌اند تا جلوی تنش‌های کوتاه‌مدت بحران را بگیرند، لیکن این مسئله همچنان برای آن‌ها باقی است که چگونه می‌توانند اقتصادهای ملی خود را باهم یکی کنند. ریشه اصلی بحران کنونی نه در ولخرجی‌های بی‌حد و حساب بخش عمومی و خصوصی ورشکسته شده کشورهای بدهکار که در وجود عدم توازن بنیادین در درون منطقه پولی یورو نهفته است. بدین معنا که تعیین یک سیاست پولی واحد و یک نرخ ارز برای گروه متنوعی از اقتصادهای ملی ذاتاً مسئله‌ساز است. در نتیجه، انواع طرح‌هایی چون اعمال ریاضت اقتصادی، مدیریت و نظارت بر بودجه‌های ملی، فدرالیسم مالی، برنامه‌های نجات مالی و با تخصیص صندوق بزرگ برای بازسازی اعتبار نهادهای ملی به‌تنهایی برای حل مسئله کفایت نمی‌کنند (بیاگی و همکاران، ۲۰۲۱). از وقتی که اروپا همکاری در خصوص موضوعات پولی در دهه ۱۹۷۰ را آغاز کرد، تقریباً تمامی توافقات بر اساس ضوابطی که آلمانی‌ها در مذاکرات تعیین می‌کردند، به عمل می‌آمد. معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۲ که تصمیم برای وضع ایجاد یورو از درون آن درآمد، بیشترین تجلی نفوذ آلمان در تصمیم‌گیری‌های پول اروپا را نشان می‌داد. انگیزه اصلی آلمان در ایجاد یورو نه کمک به تجربه وحدت دوباره بود و نه تحقق آرمان تشکیل یک اروپای فدرال. هدف اصلی دولتمردان آلمانی در ایجاد یورو، توسعه رفاه و قدرت اقتصادی آلمان از طریق گشودن و دستیابی به بازارهای رقیب، وضع نرخ مبادلاتی رقابتی و اعمال سیاست مالی ضد تورمی بود. تصور سیاستمداران در فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و دیگر کشورهای که از قدیم‌الایام پول ملی ضعیفی داشته‌اند این بود که با پیوستن به اتحادیه پولی و ملزم ساختن خود به کنترل تورم، و کم کردن نرخ بهره و اصلاح ساختارهای اقتصادی خود، می‌توانند از اقتصاد ملی آلمان الگو بگیرند. علاوه بر این، آن‌ها می‌پنداشتند از طریق یورو می‌توان آلمان را نیز به الگوی اقتصادی خود نزدیک کرده و از سرعت تولید آن کشور بکاهند. با این حال، این پیش‌بینی سیاستمداران جنوب اروپا درست از آب درنیامد چراکه آنان در سالیانی که یورو به چرخه پولی اروپا وارد شد نتوانستند آلمان را به

¹ Magenette

² Kilroy A, Ganau R

³ Biagi et al



مصرف بیشتر و تولید کمتر از طریق افزایش دستمزدها و بالا بردن نرخ تورم قانع نمایند (دی نونی و همکاران، ۲۰۱۸).

به طور خلاصه باید گفت که بحران یورو نه فقط سرنوشت یورو که آینده سراسر قاره اروپا را رقم خواهد زد. تحولات اخیر نشان داده است که یکپارچگی سیاست‌های داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، پیش شرط هرگونه همکاری سودمند و فراگیر است. این موضوع منطق درون اتحادیه اروپاست. هر جا که منافع بنیادین ملی و روش‌های نظارتی اعضا با یکدیگر ادغام می‌شوند و نمونه آن‌ها را می‌توان در عرصه‌های تجاری مشاهده نمود، دولت‌ها سیاست‌های سفت و سختی را برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های خود اعمال نموده‌اند. خود این سیاست‌ها نیز در مواجهه با بحران مالی موجود نیز ثبات خود را حفظ کرده‌اند. در آن عرصه‌هایی که کشورهای عضو اتحادیه ره هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها را پیموده‌اند، نظارت‌ها نیز عموماً داوطلبانه بوده و عمدتاً در سطح ملی اعمال می‌شدند. بنابراین پیامد بحران بسته به این است که چگونه اروپای شمال و جنوب می‌توانند شکاف‌های موجود را که ناشی از سیاست‌های کلان اقتصادی هر یک از کشورهای عضو می‌باشند، پر کنند (پیلاتی و هونتز، ۲۰۲۰).

در این رابطه باید اضافه نمود که بحران یورو جدیدترین رخداد در حرکت دو دهه‌ای اتحادیه اروپا به سمت تعمیق همگرایی می‌باشد. آن هنگام که معاهده ماستریخت تصویب گردید، پیش‌بینی بسیاری از ناظران اقتصادی این بود که اتحادیه اروپا نظارت‌های خود را بر سیاست‌های مربوط به رفاه اجتماعی، مراقبت‌های پزشکی، زیرساخت‌های منطقه‌ای، دیوان کیفری، آموزش، مسائل مربوط به فرهنگ و زبان و از همه مهم‌تر مالیات و اولویت‌های مالی گسترش خواهد داد. لیکن گذشت زمان نشان داد که خبری از این نظارت‌ها نیست و اروپا تازه درصدد است تا سیاست‌هایی را که مقدمه یک نظام نظارتی متمرکز است، وضع نماید. تردیدی نیست که امروزه، دول اروپایی بسیار بیش از بروکسل کنترل مسائل مربوط به امور قضایی و داخلی، مهاجرت، مالکیت معنوی و سیاست‌های اجتماعی را دارند. حال که اتحادیه اروپا نیز درصدد گسترانیدن یک سیاست متمرکز نوین می‌باشد، نادرند کشورهای عضوی که مایل یا قادر به اجرای کامل این سیاست باشند. دلیل این مسئله نیز آن است که نه همه عضو ناحیه یورو هستند و نه همه تابع پیمان شنگن می‌باشند و نه همه لزوماً در تمامی فرایندهای سیاست خارجی و دفاعی مشترک اتحادیه اروپا مشارکت می‌نمایند (آسپمیتوآ و همکاران، ۲۰۲۱).

۲-۴- پیامدهای بحران اقتصادی اتحادیه اروپا

بدون تردید، این بحران مالی و اقتصادی با عوارض و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به هم پیوسته‌ای همراه بوده است. در اولین و شاید مهم‌ترین پیامد بلافاصله این بحران باید به وجود «شکاف» در داخل و میان

¹ De Noni et al

² Pilati M, Hunter A.

³ Aspembitova et al



اعضای اتحادیه اروپا اشاره نمود. در داخل اعضای بحران زده مسئله این است که کدام طبقات اجتماعی و بر اساس چه سنجۀ مالیاتی باید بار بدهی دولت‌ها را به دوش کشیده و مالیات بیشتری را از محل درآمدهای خود به خزانه دولت واریز نمایند؟ آیا افزایش‌های مالیاتی باید شامل تمامی طبقات اجتماعی گردد یا تنها بخش کوچکی از شهروندان که همان قشر ثروتمند جامعه هستند، باید پذیرای این بار اضافی باشند؟ تشدید این فشارها و مطالبات در قالب اعمال انواع رژیم‌های ریاضت اقتصادی خود با اعتراضات گسترده‌ای از سوی شهروندان اروپایی مواجه گردیده است. وانگهی، منتقدین رژیم‌های ریاضتی بر این باورند اعمال این گونه رژیم‌ها که مورد تأکید نولیبرال‌ها می‌باشد، الزاماً رشد اقتصادی را در پی نخواهد داشت. بر اساس گزارش اخیر که از سوی صندوق بین‌المللی پول منتشر شده است، ۱ درصد کاهش هزینه‌های عمومی، ۱/۵ درصد آهنگ رشد اقتصادی را کندتر خواهد کرد (گائو و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

اما شکافی که میان اعضای اتحادیه اروپا می‌باشد به نظر عمیق‌تر و مهم‌تر از شکاف داخلی است. در یک سو، کشورهای بحران زده و بدهکار هستند که معتقدند از همان ابتدای راه‌اندازی یورو، این پول در خدمت اقتصادهای پیشرفته اروپایی از حمله آلمان جهت توسعه صادرات خود به ضرر کشورهای جنوب بوده است و لذا این کشورها به جای اعمال فشارهای یک طرفه بر اعضای مقروض جهت اجرای رژیم‌های ریاضتی، بهتر است خود با اعطای وام و کمک‌های مالی بیشتر به این دسته از کشورها در رفع بحران مالی و اقتصادی کنونی بکوشند. در مقابل، اعضای قدرتمند ناحیۀ یورو به رهبری آلمان، بحران بدهی را ناشی از بی‌انضباطی و بی‌برنامگی مالی اقتصادهای تنبل جنوب اروپا دانسته و معتقدند حل ریشه‌ای بحران در اجرای سفت و سخت رژیم‌های ریاضت اقتصادی توسط اعضای بدهکار و استقرار یک نظام مالی فدرالی برای نظارت و مدیریت نظام بودجه‌نویسی ملی دولت‌ها منطبق با سطح درآمدهایشان می‌باشد (سیگلر و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

پیامد دوم، بحران ظهور و تقویت جریان‌های راست افراطی و تا حدودی چپ افراطی که جملگی رویکرد انتقادی به همگرایی اروپا دارند، در عرصۀ سیاست داخلی اعضای اتحادیه اروپا می‌باشد. رأی‌دهندگان با نكوهش دولت‌های خود به واسطه انفعال در مقابل بحران به وجود آمده گرایش تدریجی به سوی احزاب افراطی می‌آورند. اگرچه این روند فراگیر و عام نیست، لیکن آهنگ رشد آن در برخی از اعضای اتحادیه به صدا درآمده است. از این رو، هم‌اکنون ما شاهد پیدایش گفتمان‌های بیگانه هراسی، مهاجر ستیزی، اتحادیه گریزی، ملی‌گرایی افراطی در سپهر جوامع اروپایی هستیم (الیوت و گلوب^۳، ۲۰۲۲).

پیامد سوم بحران کنونی، سست شدن پایه‌های دولت رفاه در اروپا می‌باشد. این بحران باکم کردن درآمدهای دولتی، توانمندی دولت‌های رفاهی اروپا را جهت پاسخگویی به مطالبات دیرپای شهروندان خود کاهش داده است. امروزه کارکنان و کارمندان اروپایی بیشتر عمر می‌کنند و زودتر بازنشسته می‌شوند و این خود بار مالی

¹ Guo et al² Sigler et al³ liott M, Golub B.



صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌های تأمین اجتماعی را دوجندان نموده است. از آن‌سوی، رشد بیکاری، درآمدهای مالیاتی را کاهش و هزینه‌های دولت را در قالب پرداخت بیمه‌های بیکاری افزایش داده است. افزون بر آن، تراز بین مرگ‌ومیر و میزان مولید در همه کشورهای اروپایی به‌هم‌خورده و این کشورها با رشد منفی جمعیت مواجه هستند (باترانسئا و همکاران^۱، ۲۰۲۲).

پیامد چهارم بحران مالی اروپا، ماهیتی ژئوپولیتیک دارد. بنا به پیش‌بینی عمده تحلیل‌گران بین‌المللی، مادام که اتحادیه اروپا در این بحران و تهدید وجودی به لحاظ اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک غوطه‌ور است، تمایل آن اتحادیه برای ایفای نقشی مؤثر در سیاست جهانی کاهش قابل‌ملاحظه‌ای خواهد یافت. نظر به اینکه کاهش بودجه نظامی جزء اولین سرفصل‌های رژیم‌های ریاضتی دول اروپایی خواهد بود، این مسئله می‌تواند تضعیف‌کننده پایه‌های همکاری فراتلانتیکی اروپا و آمریکا باشد، آن‌هم در شرایطی که آمریکا در دوره ریاست جمهوری اوباما با در پیش گرفتن خط‌مشی چندجانبه‌گرایی به‌شدت خواهان کمک‌ها و همکاری‌های مالی و نظامی اروپا چه در مناطق بحران‌خیزی در خاورمیانه و شمال آفریقا و چه در رقابت‌های ژئوپولیتیکی با چین باشد (گلدبک و لینداناچر^۲، ۲۰۲۱).

۲-۵- پیشینه پژوهش

رضوانیان و خسروخاکپور (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی اثر نظام تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا بر حل اختلافات تجاری از طریق داوری و نیز رویکرد دادگاه‌های مرتبط در این خصوص پرداختند. یافته نهایی به شیوه توصیفی - تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتاب‌خانه‌ای حاکی از آن است که در مواجهه با نظام تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا مرجع داوری در مقایسه با محاکم، به‌ویژه از نظر قانون حاکم بر داوری و نیز شناسایی و اجرای رای داوری، بیش و پیش از تبعیت از نظام تحریم‌ها به‌عنوان قاعده آمره، به قلمرو صلاحیت و اختیارات خود اتکا می‌کند.

قربانی و شایان‌مهر (۱۴۰۰)، در پژوهشی به شناسایی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته: کاربرد مدل‌های توییت تابلویی و فضایی توییت پرداختند. ارزیابی بین مدل‌های مورد استفاده در این مطالعه نشان داد که صفحه فضایی توییت با خطای مکانی نتایج مطلوبی به دست می‌دهد. نتایج نشان داد که جمعیت، هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امید به زندگی تأثیر مثبت معنادار و آزادسازی تجاری تأثیر مثبت ناچیزی بر رشد اقتصادی دارد.

شجاع‌فر (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر کاهش رشد اقتصادی کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن پرداختند. بر اساس تحقیقات انجام شده مشخص شد که عواملی همچون تأثیر کمتر انباشت سرمایه؛ نرخ کاهشی باروری از دهه ۱۹۶۰ به بعد؛ کاهش بهروره‌وری؛ و بی‌ثباتی اقتصادی باعث

^۱ Batrancea et al

^۲ Goldbeck M, Lindlacher, V.



کاهش رشد اقتصادی شده است و براین اساس پیش بینی می کنیم که رشد اقتصادی در سراسر جهان نیز همچنان به کندی پیش خواهد رفت.

انصاری و عزیزاده (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو منطقه اقتصادی مهم جهان یعنی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا پرداختند. نتایج نشان می دهد آزادی اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا در دوره زمانی مورد مطالعه بوده، اما میزان این تأثیرگذاری در کشورهای منطقه خاورمیانه، بیشتر از کشورهای منطقه اتحادیه اروپا است که نشانگر نقش مهم آزادی اقتصادی در ایجاد فضا و بستری مناسب برای ارتقاء رشد اقتصادی و ضرورت توجه به آن، در سیاست گذاری اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به رشد اقتصادی مطلوب و پایدار است.

میرفخرایی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی چشم انداز همگرایی اروپا در پس بحران مالی پرداختند. یافته های این پژوهش نشان می دهد ریشه اصلی بحران مالی اروپا را باید در آمیخته شدن سه عامل جهانی شدن اقتصاد، تسری بحران مالی آمریکا به این اتحادیه و بی انضباطی مالی اقتصادهای ناهماهنگ و نامتوازن کشورهای عضو یورو جستجو نمود. بنابراین عواقب بحران مالی نه تنها نهادها و بازار مالی، بلکه محیط سیاسی و اجتماعی کل اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ورینگانی و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی بر رشد اقتصادی منطقه ای، با استفاده از داده های ۱۹۰ منطقه در ۲۱ کشور اتحادیه اروپا، که هشت موج از بررسی اجتماعی اروپایی را بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۶ تکمیل کرده اند، پرداختند. یافته ها نشان می دهد که سرمایه اجتماعی برون گروهی با سطوح بالاتر رشد اقتصادی منطقه ای مرتبط است. سرمایه اجتماعی درون گروهی به شدت با سرمایه اجتماعی برون گروهی مرتبط است و زمانی که این سرمایه (برون گروهی) کنترل شود با رشد اقتصادی کمتری همراه است. یافته ها، تأثیرات متفاوت قابل توجهی از سرمایه اجتماعی درون گروهی در مناطقی با سرمایه اجتماعی برون گروهی زیاد یا کم و یا برعکس، نمی یابد. در این پژوهش همچنین رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بررسی شد و نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی بین گروهی برای تحریک رشد اقتصادی، به ویژه در مناطق کم مهارت، عاملی اساسی است. سرمایه انسانی همچنین رابطه بین سرمایه اجتماعی برون گروهی و رشد اقتصادی را تعدیل می کند و اثرات خارجی منفی ناشی از سرمایه درون گروهی بیش از حد را کاهش می دهد.

فیرلج و همکاران^۲ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی رشد اقتصادی و کار شایسته به عنوان هدف توسعه پایدار در اتحادیه اروپا در دوره پیش از همه گیری و همه گیری بیماری کرونا پرداختند. گروه بندی

¹ Varingani et al

² Firlej et al



کشورهای عضو نشان دهنده موقعیت بسیار خوب پنج کشور با بالاترین ارزش معیار مصنوعی (هلند، ایرلند، لوکزامبورگ، دانمارک، سوئد) و موقعیت خوب برای آلمان است. بلژیک، فنلاند، اتریش، فرانسه، اسلونی، جمهوری چک و مالت. بلغارستان و یونان به ویژه در برابر گروه کشورهای مورد بررسی عملکرد منفی داشتند. همچنین این فرضیه مبنی بر اینکه در شرایط همه‌گیری کووید-۱۹ بیشتر شاخص‌های دستیابی به هدف توسعه پایدار در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بدتر شده است، تأیید شد.

باتراسئا و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی تجربی در مورد اینکه چگونه زیرساخت‌های مرتبط مرتبط با رفاه رشد اقتصادی را شکل می‌دهد: شواهد از مناطق اتحادیه اروپا، پرداختند. با توجه به نتایج تجربی، درآمد قابل تصرف خانوار، تحرک بین منطقه‌ای، شاخص مسکن، نیروی کار و مشارکت پیش‌بینی‌کننده‌های دارای بیشترین تأثیر برای مناطق اروپای غربی؛ بودند. همچنین برای مناطق اروپای مرکزی و شرقی، بیشترین تأثیر را شاخص مسکن، دسترسی پهنای باند اینترنت و آلودگی هوا ایجاد کرده است. کریستسکو و تیلوار^۲ (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل اصلی رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا پرداختند. نتایج نشان داد که در سطح اتحادیه اروپا رشد اقتصادی به طور قابل توجهی تحت تأثیر مصرف خصوصی، نرخ اشتغال و تجارت خالص است. سرمایه‌گذاری‌ها نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند، اما بدیهی است که باید از طریق سیاست‌های مؤثر حمایت و تحریک شوند. در عین حال، گردشگری تأثیر مطلوبی بر درآمد سرانه از طریق اشتغال و تعداد اقامتگاه‌های این شاخه اقتصادی دارد.

گنزالس سانچزو همکاران^۳ (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و خوداشتغالی اتحادیه اروپا بر اساس جنسیت پرداختند. نتایج این مطالعه نشان دهنده تأثیر مثبت مخارج عمومی، سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی دارند. نتایج همچنین گویای آن بود که کارآفرینی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل سایر عوامل مؤثر بر کارآفرینی، به تفکیک جنسیت، نشان می‌دهد که بیکاری و سطح تحصیلات تأثیر مثبتی بر خوداشتغالی دارند، در حالی که افزایش معنی‌دار نرخ مالیات بر سرمایه و ترک تحصیل زودهنگام به این متغیر آسیب می‌رساند.

مان^۴ (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر یکپارچگی اتحادیه اروپایی بر رشد اقتصادی در اروپای شرقی مرکزی پرداختند. این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه فرآیند ادغام اروپایی کشورهای اروپای شرقی مرکزی، که از دهه ۱۹۹۰ در حال انجام است، بر رشد تولید ناخالص داخلی آنها تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان داد تجارت با سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به عنوان سهمی از کل تجارت به عنوان معیاری برای ادغام اروپا عمل می‌کند.

¹ Batrancea et al

² CRISTESCU, A. TÎLVĂR, G.

³ González-Sánchez et al

⁴ Mann



▪ فصل سوم: روش شناسی پژوهش

۳-۱- روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت پژوهش، در زمره پژوهش های تحلیلی-استنباطی و از نظر هدف پژوهش، در زمره پژوهش های کاربردی جای می گیرد. طرح این پژوهش با استفاده از رویکرد پس رویدادی و از نظر گردآوری داده ها مقطعی خواهد بود.

۳-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا می باشند. نمونه آماری نیز شامل ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا شامل؛ آلمان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، هلند، انگلیس، بلژیک، لهستان، یونان، سوئد، پرتغال، فنلاند، لیتوانی، جمهوری چک، اتریش، رومانی، بلغارستان، مجارستان، اسلواکی، دانمارک، ایرلند، کرواسی، استونی، لتونی، لوکزامبورگ و مالت می باشد.

۳-۳- روش و ابزار جمع آوری داده ها

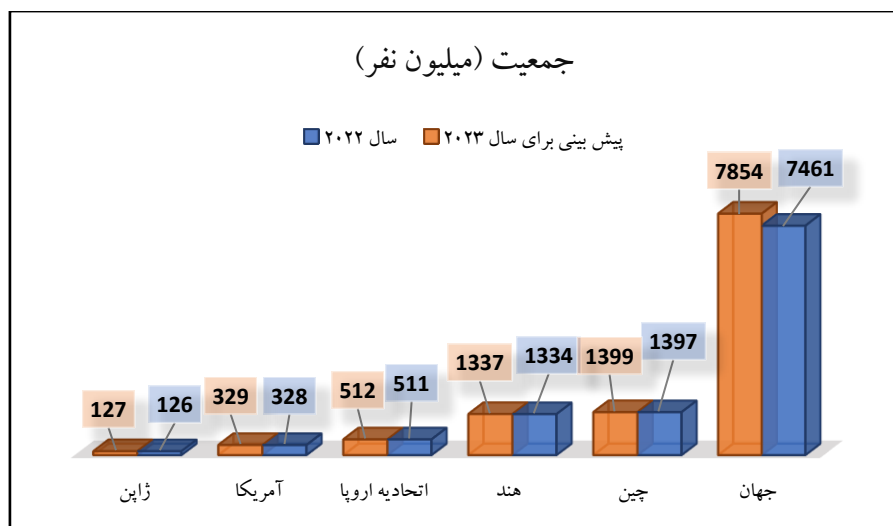
در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از دو بخش کتابخانه ای و میدانی استفاده شد. برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه تحقیق، از روش کتابخانه ای با بهره گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان نامه ها استفاده شد. در بخش میدانی نیز اطلاعات داده ها از آمار منتشر شده بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۲۲ استخراج گردیده است.

۳-۴- روش تجزیه و تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از نرم افزارهای Excel و Eviews استفاده شد.

▪ فصل چهارم: یافته های پژوهش

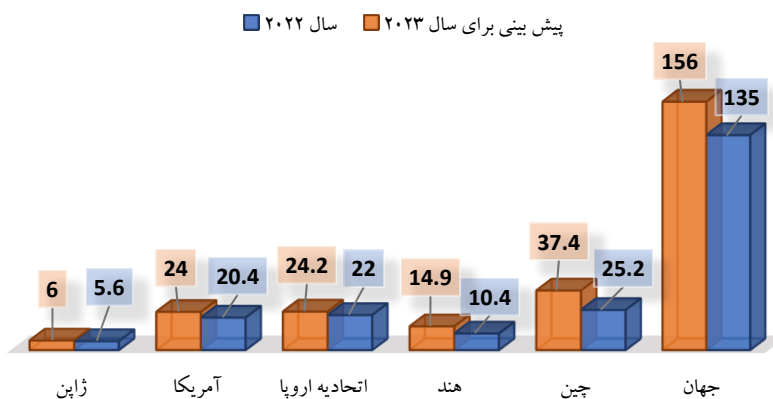
بی شک یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی جمعیت است. نرخ بالای رشد اقتصادی در چین و هند به عنوان پرجمعیت ترین کشورهای جهان و همچنین پیش بینی هایی که توسط پژوهشگران اقتصادی درباره آینده اقتصادی جهان انجام شده است، موید نقش بسیار مهم جمعیت در رشد اقتصادی است. در نمودار زیر جمعیت اتحادیه اروپا و بعضی قدرت های برتر اقتصادی در جهان مقایسه شده است. همانطور که نشان داده شده است، جمعیت اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۵۱۱ میلیون نفر می باشد و پیش بینی شده است که این جمعیت در سال ۲۰۲۳ به ۵۱۲ میلیون نفر افزایش یابد.



نمودار (۱)، میزان جمعیت اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

امروزه تولید ناخالص داخلی اولین شاخصی است که برای توصیف قدرت اقتصادی یک کشور یا مجموعه کشورها بیان می‌شود. تولید ناخالص داخلی به معنای مجموع ارزش‌های اقتصادی تولید شده در یک کشور در طول یک سال است. برای مقایسه تولید ناخالص داخلی کشورها لازم است که این شاخص با کمیت یکسانی بیان شود. بنابراین لازم است تولید ناخالص داخلی کشورها که بر اساس پول ملی هر کشور محاسبه می‌شود، به نحوی به یک ارز واسطه برگردان شود. این کار یا بر اساس نرخ تبدیل ارز به دلار صورت می‌گیرد که روش دقیقی نیست و تنها در ارتباط با مبادلات خارجی اهمیت پیدا می‌کند. و یا بر اساس برابری قدرت خرید با دلار انجام می‌شود که در این صورت تصویر دقیق‌تری از تولیدات سالانه ارزش اقتصادی در یک کشور را ارائه می‌دهد. به همین دلیل در این گزارش از آمار تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید استفاده شده است. در نمودار (۲)، ارزیابی میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ و همچنین پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ نمایش داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲۲ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این مقدار در سال ۲۰۲۳ به ۲۴٫۲ تریلیون دلار برسد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تولید ناخالص داخلی مربوط به کشور چین می‌باشد (۲۵٫۲ تریلیون دلار).

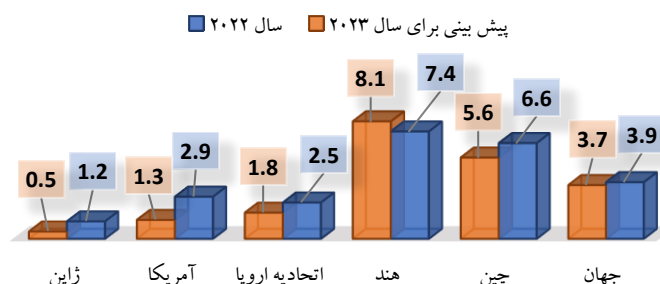
تولید ناخالص داخلی (تریلیون دلار)



نمودار (۲)، میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

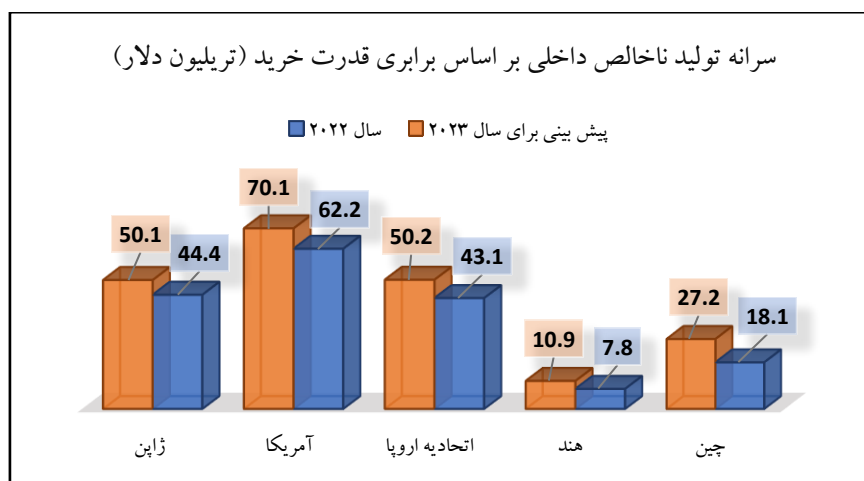
رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) در اغلب کشورهای توسعه یافته پایین است؛ زیرا بسیاری از ظرفیت‌های بازار و اقتصاد این کشورها فعال شده است در حالی که اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه اغلب از رشد اقتصادی چند برابری نسبت به توسعه یافته‌ها برخوردارند. این واقعیت گویای آن است که کشوری مثل چین که در حال حاضر اقتصاد بزرگتری نسبت به اتحادیه اروپا دارد، در سالهای آینده فاصله بیشتری با این قدرت اقتصادی پیدا خواهد کرد. هند نیز از قدرت‌های بزرگی است که بنا بر پیش‌بینی - های صورت گرفته در آینده نزدیک، اتحادیه اروپا را پشت سر خواهد گذاشت. در نمودار (۳)، میزان رشد تولید ناخالص داخلی قدرت‌های بزرگ اقتصادی نمایش داده شده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲٫۵ درصد می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۱٫۸ درصد کاهش یابد. بیشترین رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۲ مربوط به کشور هند (۴٫۴ درصد) می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۸٫۱ درصد افزایش یابد.

رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)



نمودار (۳)، میزان رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

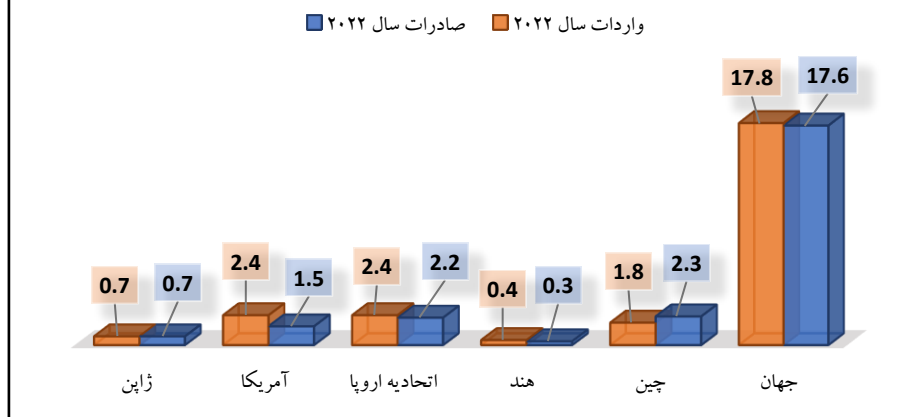
از شاخص‌هایی که برای تخمین میزان ثروت و رفاه عموم مردم در یک کشور به کار برده می‌شود شاخص سرانه تولید داخلی، است که از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت به دست می‌آید. بالا بودن شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی به همراه جمعیت زیاد در یک کشور به معنای قدرت بالای اقتصاد آن کشور در تولید و رفاه اجتماعی خواهد بود. در نمودار (۴)، وضعیت هریک از قدرت‌های اقتصادی مورد بحث در این شاخص نمایش داده شده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۴۳٫۱ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۵۰٫۲ تریلیون دلار افزایش یابد. در بین کشورها، آمریکا با دارا بودن ۶۲٫۲ تریلیون دلار شاخص سرانه تولید داخلی در سال ۲۰۲۲، در رده نخست می‌باشد.



نمودار (۴)، میزان شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ و پیش‌بینی آن برای سال ۲۰۲۳ (منبع: صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۲)

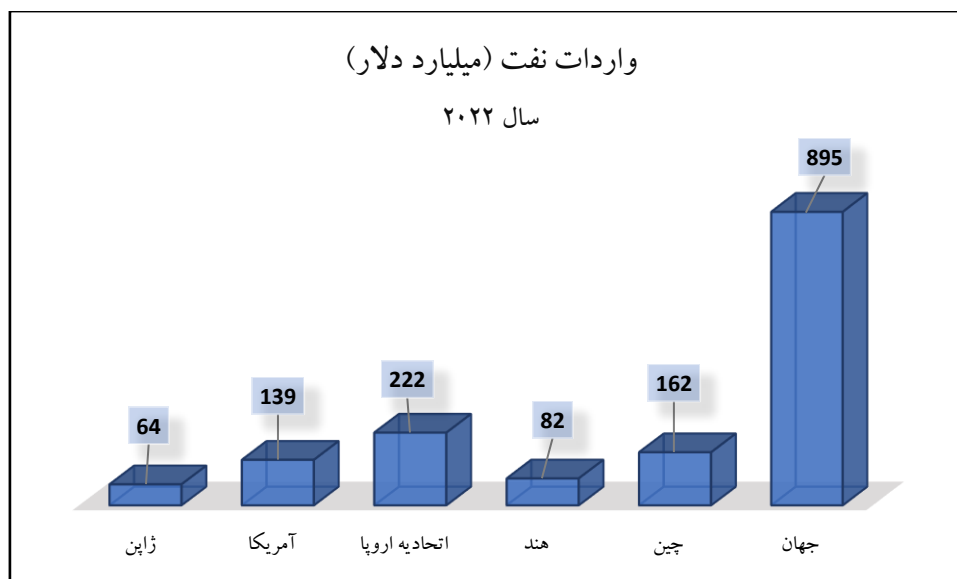
حجم بالای صادرات یک کشور حاکی از قدرت تولید و رقابت پذیری تولیدات آن کشور است. میزان صادرات و واردات یک کشور با میزان اثرگذاری و اثرپذیری از تحولات اقتصادی شرکای تجاری آن کشور رابطه مستقیمی دارد. بنابراین اگر حجم صادرات و واردات یک کشور در مقیاس جهانی و بزرگ باشد، نقش آن کشور در تحولات اقتصادی جهان بزرگ خواهد بود. اتحادیه اروپا به صورت واحد دومین صادرکننده بزرگ دنیا محسوب می‌شود. نمودار (۵)، نشان دهنده میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ می‌باشد. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۲٫۴ و ۲٫۲ تریلیون دلار می‌باشد که حاکی از قدرت تولید و رقابت پذیری تولیدات این اتحادیه در مقابل دیگر کشورهای ابرقدرت دنیا می‌باشد.

صادرات و واردات (تریلیون دلار)



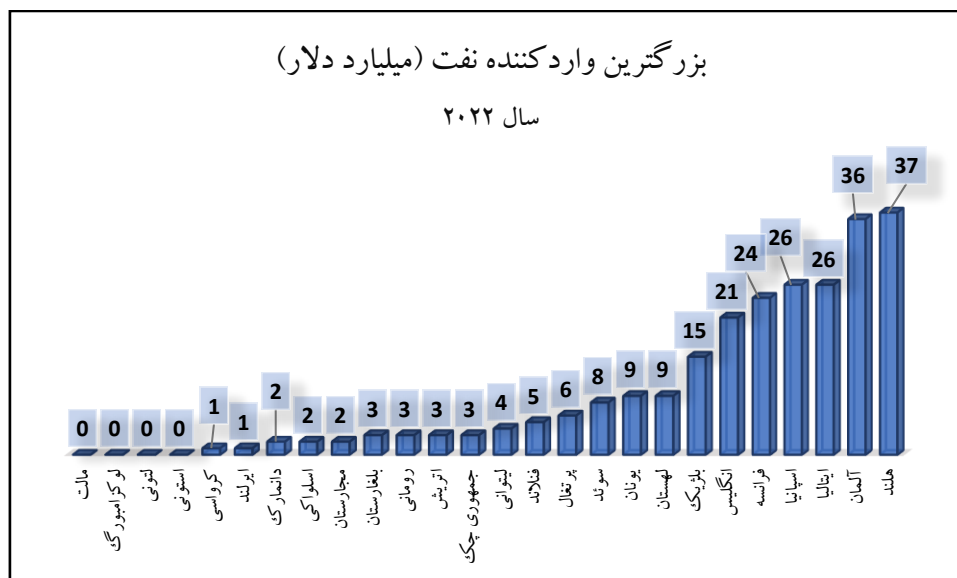
نمودار (۵)، میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

نفت در دنیای امروزی نیاز حیاتی تمامی ابرقدرتهای اقتصادی محسوب می شود. این مسئله برای کشورهای صادرکننده نفت بسیار حائز اهمیت است. در صورتی که صادرکنندگان نفت بتوانند نیاز خود را به درآمدهای حاصل از فروش نفت مرتفع کنند، می توانند امتیازات زیادی را از واردکنندگان بزرگ نفت دریافت کنند. امتیازاتی مانند انتقال فناوری و صنایع مادر، سرمایه گذاری و فروش صنایع راهبردی از این قبیل هستند. مطابق نمودار (۶)، اتحادیه اروپا با رقم ۲۲۲ میلیارد دلار بزرگترین واردکننده نفت در دنیا به حساب می آید. البته برخی اعضای اتحادیه اروپا مانند انگلیس و هلند اقدام به تولید و صادرات نفت می کنند اما صادرات ۲۸ میلیارد دلاری نفت توسط آنها تنها ۱۳ درصد از نیاز اتحادیه اروپا به نفت را تامین می کند. اتحادیه اروپا به خوبی نسبت به این نقطه ضعف خود آگاه است و از حدود ۴۰ سال پیش سرمایه گذاری زیادی در بخش انرژی های تجدیدپذیر انجام داده است. اتحادیه اروپا طی ۴۰ سال گذشته میزان تولید برق خود از ذغال سنگ، نفت و گاز را از ۴۱ درصد به ۷۶ درصد از کل رسانده است. استفاده از برق هسته ای هرچند در سال های اخیر رشدی نداشته است اما طی ۴۰ سال گذشته از ۷ درصد به ۲۶ درصد رسیده است.



نمودار (۶)، میزان واردات نفت اتحادیه اروپا و دیگر کشورها در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

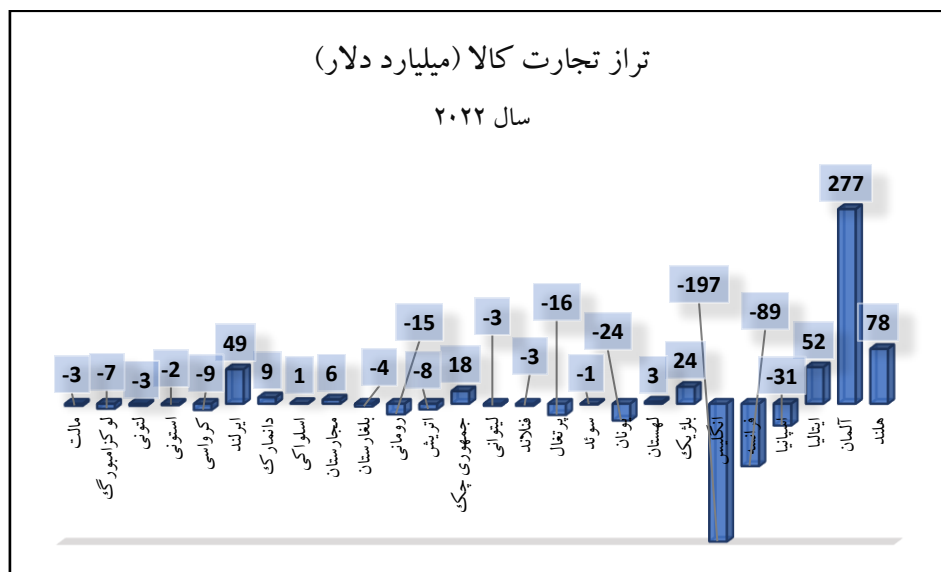
طبق نتایج نمودار (۷)، اعضای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ به میزان ۲۲۲ میلیارد دلار نفت وارد کرده اند. هلند، آلمان و ایتالیا در صدر فهرست واردکنندگان نفت در اتحادیه اروپا قرار دارند. کشور روسیه در سال ۲۰۱۷ با تامین ۲۹ درصد از نفت مورد نیاز اعضای اتحادیه اروپا بزرگترین صادرکننده نفت به حوزه اتحادیه اروپا محسوب می شود. بنابراین اتحادیه اروپا به منظور تامین امنیت انرژی خود نیاز شدیدی به تعامل با روسیه دارد. نروژ، هلند و قزاقستان پس از روسیه بیشترین نفت را به اتحادیه اروپا صادر می کنند.



نمودار (۷)، بزرگترین واردکننده نفت کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

تراز تجاری اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ برابر منفی ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. نقش قدرت های اقتصادی اتحادیه اروپا در این تراز منفی بسیار متفاوت است؛ به طوری که برخی اعضا مانند آلمان تراز بسیار بالایی دارند و برخی دیگر مانند انگلیس به شدت دچار کسری تجاری هستند. در نمودار (۸)، اعضای اتحادیه اروپا

با تراز تجاری مثبت و منفی مشاهده می شوند. با توجه به نتایج در بین کشورهای اتحادیه اروپا، آلمان با دارا بودن ۲۷۷ میلیارد دلار بیشترین تراز تجاری را در بین کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ را دارد. همچنین کشور انگلیس با تراز تجاری ۱۹۷- میلیارد دلار، کمترین تراز تجاری را دارا می باشد.



نمودار (۸)، تراز تجارت کالا کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ (منبع: مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)

جدول (۱)، حجم بدهی خارجی کشورهای اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۲۲ نشان می دهد. منظور از بدهی خارجی مجموع پول هایی است که توسط بخش های گوناگون خصوصی و دولتی یک کشور از دولت های خارجی، شرکت های خارجی و یا نهادهای بین المللی قرض گرفته می شود. بسیاری از کشورهای توسعه یافته اقتصاد خود را با استفاده از وام های خارجی بنا کرده اند و در صورتی که وام دهندگان قصد خروج سرمایه های خود را داشته باشند، کشورهای قرض گیرنده با بحران مواجه خواهند شد. بحران مالی جنوب شرق آسیا که به دلیل خروج سرمایه از اقتصادهای قدرتمند آن منطقه ایجاد شد، نمونه ای از مشکلاتی است که ممکن است گریبان گیر کشورهای مقروض شود و حتی آنها را به ورشکستگی بکشاند. اعضای اتحادیه اروپا در میان کشورهای جهان بدترین وضعیت را در بدهی خارجی دارند. نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی در اکثر این کشورها بیش از ۱۰۰ درصد است. انگلیس با ۸۴۷۶ میلیارد دلار بدهی خارجی، به لحاظ حجم بدهی پس از آمریکا در جایگاه دوم جهان و اول اتحادیه اروپا قرار دارد. مطابق گزارش اداره آمار ملی انگلیس، نسبت بدهی خارجی این کشور به تولید ناخالص داخلی آن برابر ۳۱۳ درصد است.

جدول (۱)، حجم بدهی خارجی و نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی کشورهای اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۲۲ (منبع:

مرکز تجارت جهانی سال ۲۰۲۲)



کشورهای اتحادیه اروپا	حجم بدهی خارجی (میلیارد دلار)	نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
هلند	4510	522
آلمان	5398	141
ایتالیا	2511	124
اسپانیا	2259	167
فرانسه	5690	213
انگلیس	8476	313
بلژیک	1278	265
لهستان	364	70
یونان	477	228
سوئد	939	177
پرتغال	447	216
فنلاند	483	196
لیتوانی	36	86
جمهوری چک	138	70
اتریش	638	167
رومانی	109	55
بلغارستان	40	65
مجارستان	147	121
اسلواکی	87	91
دانمارک	492	163
ایرلند	2384	684
کرواسی	46	87
اسلوونی	50	109
لتونی	41	147
لوکزامبورگ	3781	6307
مالت	96	879

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱- نتیجه گیری

همانطور که بیان شد، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت اقتصادی اتحادیه اروپا بود. این پژوهش از نظر ماهیت پژوهش، در زمره پژوهش های تحلیلی-استنباطی و از نظر هدف پژوهش، در زمره پژوهش های کاربردی جای می گیرد. امروزه ماهیت قدرت اقتصادی و بالطبع سیاسی در جهان رو به دگرگونی است.



اگر تا چند دهه پیش، جهانی شدن به معنای گسترش سپهر قدرت اروپا به دیگر نقاط جهان با هدف دستیابی به بازار و مواد خام بود، امروزه و طی دو دهه گذشته نظام جهانی به عرصه‌ای برای اوج‌گیری آسیا خاصه چین و هند به عنوان بزرگترین رقبای اقتصادی اروپا تبدیل شده است. پیدایش رقبای اقتصادی قدرتمند یا رشد اقتصادی بالا در شرق آسیا و آمریکای جنوبی شاید پاسخگوی بخشی از علل وقوع بحران مالی کنونی در اروپا باشد، اما بی‌تردید نیمی دیگر از ریشه بحران در درون اتحادیه نهفته است.

نتایج پژوهش نشان داد که میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲۲ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این مقدار در سال ۲۰۲۳ به ۲۴٫۲ تریلیون دلار برسد. همچنین رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۲٫۵ درصد می‌باشد که پیش‌بینی شد این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۱٫۸ درصد کاهش یابد. شاخص سرانه تولید داخلی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲، ۴۳٫۱ تریلیون دلار می‌باشد که پیش‌بینی شده است این میزان در سال ۲۰۲۳ به ۵۰٫۲ تریلیون دلار افزایش یابد. همچنین میزان صادرات و واردات اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۲٫۲ و ۲٫۴ تریلیون دلار می‌باشد که حاکی از قدرت تولید و رقابت پذیری تولیدات این اتحادیه در مقابل دیگر کشورهای ابرقدرت دنیا می‌باشد. با توجه به نتایج اتحادیه اروپا با رقم ۲۲۲ میلیارد دلار بزرگترین واردکننده نفت در دنیا به حساب می‌آید.

سوال بعدی پژوهش حاضر این بود که آیا بحران‌های مالی و اقتصادی پیش رو، بر رشد اقتصادی اتحادیه اروپا موثر است؟ شاید بتوان گفت اولین باری که سئوالاتی از این است مطرح شد زمانی بود که پیش‌نویس قانون اساسی اروپایی در سال ۲۰۰۵ توسط شهروندان فرانسوی و هلندی رد شد. دیری نپائید که مقامات اتحادیه اروپا جهت مدیریت بحران پیش آمده و جلوگیری از تسری آن به حوزه‌های موضوعی اتحادیه، جای آن پیش‌نویس را با سند تعدیل یافته جدیدی به نام معاهده لیسبون عوض کردند. اما هنوز تب و تاب و فشارهای روانی ناشی از رد شدن پیش‌نویس قانون اساسی ساکن نشده بود که با خیز گرفتن موج بحران مالی و تبدیل شدن آن به ابرموج بحران اقتصادی و سیاسی اروپایی، این بار به جای «کارکرد»، «فلسفه وجودی» اتحادیه در آماج پرسش‌ها قرار گرفته است. روند اتهام‌زنی متقابل اعضای مرفه و ضعیف اتحادیه در خصوص بانی یا بانیان اصلی بحران مالی، افزایش گمانه‌زنی‌ها در مورد خروج یا اخراج یونان، به نقد کشیده شدن پیمان شنگن به واسطه سهل‌الوصول کردن ورود مهاجران غیر اروپایی به این قاره، افزایش نگرش‌های منفی نزد افکار عمومی در مورد سودمندی اتحادیه اروپا بنا به آمار نظرسنجی‌ها، زیر سؤال رفتن ضرورت پول واحد اروپایی به واسطه وجود اقتصادهای نامتوازن و نابرابر در کنار یکدیگر و نغمه‌ساز شدن خروج انگلیس از اتحادیه توسط حزب محافظه‌کار انگلیس، جملگی از مواردی هستند که منادی فصلی سرد برای روند همگرایی اروپایی می‌باشند.

برای پاسخ به این پرسش آینده‌نگرانه که این بحران بالاخره به کجا می‌انجامد باید ابتدا یک پرسش گذشته‌نگرانه مطرح کرد و آن اینکه اساساً چرا اتحادیه اروپا ساخته شد. تقریباً تمام تحلیل‌گران بر این نکته



کم و بیش توافق دارند که حفظ وحدت جهت مقاومت در برابر شوروی کمونیست و اهلی سازی نیروی ناسیونالیسم آلمانی دو نیرویی بودند که کشورهای اروپایی غربی را به سمت سازوکارهای همکاری جویانه با یکدیگر در دهه ۱۹۵۰ سوق داد. این یعنی همان عقلانیت سیاسی. در حقیقت، جامعه «زغال سنگ و فولاد، جامعه اقتصادی اروپایی، اوراتم و... جملگی سازوکارهایی اقتصادی بودند تا حیات این عقلانیت سیاسی تداوم یابد. روزی هم که مقامات اروپایی بر سر ایجاد یک پول واحد اروپایی به توافق رسیدند با در نظر گرفتن تمامی اشکالات ممکن در آن، تصمیم به تشکیل اتحادیه پولی گرفتند. از این رو باید گفت که نویسندگان معاهده ماستریخت شامل رئیس جمهور وقت فرانسه، فرانسوا میتران، صدر اعظم و وزیر خارجه وقت آلمان به ترتیب هلموت کهل و هانس دیتریش گنشر، جملگی مردان سیاست بود تا اقتصاد. هدف آنان نیز نیل به یک رسالت سیاسی فراگیر بود. مساله اینجاست آن ابزارهای اقتصادی و مالی که پشتوانه این رسالت سیاسی بوده اند، رو به فرسایش و حتی ریزش دارند. با پذیرش این واقعیت، دیگر تحلیل و پیش بینی فرجام بحران کنونی در اروپا کار دشواری نخواهد بود لذا پیش بینی می شود که اتحادیه اروپا به سمت بازسازی ابزارها و مکانیسم های مالی و اقتصادی خود با هدف حفظ و نجات هدف سیاسی عالیه که همان وحدت در عین رعایت حاکمیت های ملی اعضا باشد، حرکت کند بنابراین می توان پیش بینی نمود که دول اروپایی نه وارد یک عصر طلایی اروپای واحد و فدرال با تشکیل یک ابردولت خواهند شد و نه به عصر آهن و جنگ برمی گردند بلکه آنچه محتمل تر و واقع بینانه تر بر اساس آن عقلانیت سیاسی پیش گفته می باشد، باید یک عصر برنزی را برای اتحادیه اروپا تصور نمود، عصری که در آن سازوکارهای اقتصادی و مالی پذیرای معماری مجدد خواهند شد اما اصل و اساس اتحادیه به عنوان مکانیسمی برای حفظ صلح در درون اروپا و ابزاری برای مقاومت و وحدت در جهان دستخوش دگرگونی و تحول و مبتنی بر تهدیدات نوپدید پا بر جا خواهد ماند. اهمیتی که بحران اقتصادی و مالی اروپا و تأثیراتی که بر اقتصاد جهانی دارد باعث شد تا مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام به تدوین اثری ناظر بر زوایای مختلف بحران پیش رو از جمله ریشه ها، پیامدها و چشم انداز و نیز نگرش و سیاست های قدرت های اصلی اتحادیه اروپا به این بحران بنماید.

با هدف گشایش در وضعیت اقتصادی کشورهای عضو، تدابیر نهادی و کنترلی-احیایی اتحادیه اروپایی صورت عمل به خود گرفتند. تأسیس نهادهای نجات مالی مانند مکانیسم حل بحران موسوم به سهولت ثبات مالی اروپا و نیز مکانیسم ثبات مالی اروپا از یک سو و اعطای وام به دول ضعیف تر اروپایی، تأکیدات مکرر بر افزایش توان رقابت پذیری و مقابله شدید با عدم توازن حساب ها از سوی دیگر در قالب اقتصادی در دستور کار قرار گرفتند، اما آنچه در بعد اقتصادی نمود و بروز بیشتری داشت، پذیرش قدرت های بزرگ اقتصادی و در رأس آن آلمان بود که به جای سیاست های سرسختانه و متصلب ریاضت اقتصادی، به سیاست های منعطف تر ریاضت اقتصادی و معطوف به رشد روی آورند. بازخورد این امر را می توان در تعدیل



سیاست‌های اروپا گریز چیپراس در یونان و تصویب نهایی دستورکار اجرایی دیکته شده از سوی اتحادیه اروپایی در پارلمان یونان مشاهده نمود. پذیرش رویکرد منطع‌تر اقتصادی، نه تنها برآمده از ضعف و ناتوانی اقتصادی کشورهای بحراندیده اروپایی در اجابت مطالبات سیاست‌های غیرمنعطف اقتصادی، بلکه برخاسته از منطق نتیجه‌گرای قدرت‌های برتر سیاسی و اقتصادی اتحادیه نیز بود که حفظ همگرایی سیاسی و امنیتی اروپایی را در ادامه عضویت کشورهای عضو اتحادیه و مقابله با خروج آنها از اتحادیه؛ همچنین مقابله با جریان‌های اروپاگریز و پوپولیستی مخالف اتحادیه می‌دید. از دیگر سو، رهبران اروپایی به این مهم آگاه بودند که همانطور که منطق تسری باعث سرایت همگرایی اقتصادی به همگرایی سیاسی و امنیتی شده است، به همین ترتیب نیز ضعف اقتصادی اتحادیه و گرایش‌های ملی‌گرایانه کشورهای ضعیف هم می‌تواند به تضعیف همگرایی سیاسی و امنیتی منتج گردد. در همین حال برنامه احیای اقتصادی اروپا خواستار اولویت بخشی به سیاست‌های ساختاری بود که در این میان افزایش سرعت رشد اقتصادی و اشتغال در کنار حمایت از افزایش روند تقاضا و درآمدهای خانوارها هدف‌گیری شده بود. برنامه احیای اقتصادی در عین حال، بهبود توانمندی کشورهای عضو را در راستای تسریع روند احیا دنبال کرده و می‌کند. اهداف سیاست‌گذاری بلندمدت مانند موارد یادشده در استراتژی لیسبون، کارکرد آرام بازار واحد و تسهیل حرکت به سمت اقتصادهای با آلاینده‌گی پایین از روش اصلی این برنامه محسوب می‌شود؛ در همین حال براساس منطق نتیجه‌گرایی و توجه به جایگاه دولت در کنار نهادهای اروپایی، برنامه احیای اقتصادی اروپا، خواستار مداخله دولتها برای حمایت از بخش تجاری در جریان بحران از طریق کاهش محدودیت‌های مالی فرارو و نیز ارائه خدمات اعتباری ویژه مانند بیمه اعتبارات صادرات می‌گردد. فرای حمایت از تقاضا که از طریق مکانیسمها و ابزارهای اقتصادی کلان صورت تحقق به خود می‌گیرد، حمایت موقت دولتی از بخشهایی نیز در دستورکار قرار گرفت که در آنها تقاضا به صورت نامتناسبی از بحران اقتصادی و مالی تأثیر می‌پذیرفت. حمایت موقت دولتی مانع از ریزش غیرضروری و هزینه بر کار و نیروی کار و از بین رفتن شرکتهای عظیم و توانمند اروپایی شد؛ این ابتکارات به نوبه خود مهار تأثیرات منفی بحران بر بازدهی و تولید بالقوه را به همراه آورد.

اگر بپذیریم که همگرایی اقتصادی، زیر بنای همگرایی سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپایی را تشکیل می‌دهد، کندی رشد اقتصادی همچنان می‌تواند به عنوان عاملی تهدیدزا علیه آن عمل نماید. هرچند نهادینه شدن اتحادیه اروپایی و احیای اقتصادی آن مانع از فروپاشی اتحادیه در جریان بحران گردید، اما تداوم سایه بحران- به دلیل رشد کند و ادامه تبعات سیاسی و اقتصادی منفی بحران- همچنان سایه سنگین خود را بر هدف نهایی یعنی همگرایی سیاسی و امنیتی حفظ می‌کند.

۲-۵- پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:



❖ هزینه‌های صرف شده در بخش آموزش عالی تحقیق و توسعه بیشترین تأثیر را نسبت به رشد نیروی کار شاغل و میزان موجودی سرمایه فیزیکی بر روی رشد تولید ناخالص داخلی دارد. بنابراین در کشورهای اتحادیه اروپا برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر باید در بخش هزینه‌های تحقیق و توسعه آموزش عالی سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد.

❖ میزان رشد نیروی کار شاغل به میزان ۲ برابر بیشتر از موجودی سرمایه فیزیکی در کشورهای اتحادیه اروپا تأثیر دارد. این نشان می‌دهد بهره‌وری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بسیار بیشتر از بهره‌وری سرمایه فیزیکی در کشورهای اتحادیه اروپا می‌باشد و به این کشورها با بکارگیری نیروی کار شاغل بیشتر نسبت به سرمایه فیزیکی به رشد اقتصادی بالاتر خواهند رسید.

❖ تصویب قوانین و مقررات با کیفیت و شفاف، بطوری که این قوانین در راستای بهبود سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و در جهت ارتقاء شاخص‌های آزادی اقتصادی و رفع نقایص و کاستی‌های مکانیسم بازار بوده و زمینه‌ساز دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در کشورهای عضو اتحادیه اروپا شود.

❖ تلاش سیاست‌گذاران و مسئولان اقتصادی برای رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجاری به منظور ارتقاء آزادی در حوزه مبادلات بین‌المللی که می‌تواند زمینه‌ساز ترغیب و نفوذ بنگاه‌های داخلی به بازارهای بین‌المللی شده و از این طریق رقابت‌پذیری محصولات یک کشور را در سطح جهانی افزایش داده و زمینه‌ساز رشد اقتصادی پایدار شود.

▪ فهرست منابع

الف: منابع فارسی:

انصاری‌سامانی، حبیب. علیزاده‌اوجقاز، نوید. (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا، سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، سال ۷، شماره ۱.

رضوانیان، اویس. خسروخاکپور، ایتا. (۱۴۰۱)، بررسی اثر نظام تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا بر حل اختلافات تجاری از طریق داوری، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۶، شماره ۴، صص ۱-۲۹.

شجاع‌فر، شهناز. (۱۳۹۹)، مطالعه و بررسی عوامل موثر بر کاهش رشد اقتصادی (مطالعه موردی بر اقتصادهای برتر جهان: آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن)، اولین کنفرانس علمی پژوهشی مدیریت، اقتصاد و حسابداری.

قربانی، محمد. شایان‌مهر، سمیرا. (۱۴۰۰)، شناسایی عوامل موثر بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته: کاربرد مدل‌های توبیت تابلویی و فضایی توبیت، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۴۳-۵۸.

میرفخرایی، سیدحسن. (۱۳۹۴)، اتحادیه اروپا و بحران مالی: چشم‌اندازها و روندها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۱۸۹-۲۲۳.



- Afonso O, Neves PC, Pinto T. The non-observed economy and economic growth: A meta-analysis. *Econ Syst.* 2020; 44(1):100746.
- Agasisti T, Bertolotti A. Higher education and economic growth: A longitudinal study of European regions 2000–2017. *Socio-Econ Plan Sci.* 2022; 81:100940.
- Aspembitova AT, Feng L, Chew LY. Behavioral structure of users in cryptocurrency market. *PLOS ONE.* 2021; 16(1):e0242600.
- Batrancea LM, Balci MA, Akgüller Ö, Gaban L. What drives economic growth across European countries? A multimodal approach. *Mathematics.* 2022.
- Batrancea, LM. Nichita, A. Balci, MA. Akgüller, Ö. (2023), Empirical investigation on how wellbeing-related infrastructure shapes economic growth: Evidence from the European Union regions. *PLoS ONE* 18(4): e0283277. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0283277>.
- Benos N, Karagiannis S, Karkalakos S. Proximity and growth spillovers in European regions: The role of geographical, economic and technological linkages. *J Macroecon.* 2015; 43:124–139.
- Biagi B, Brandano MG, Ortega-Argiles R. Smart specialisation and tourism: Understanding the priority choices in EU regions. *Socio-Econ Plan Sci.* 2021; 74:100883.
- Bianchi M, del Valle I, Tapia C. Material productivity, socioeconomic drivers and economic structures: A panel study for European regions. *Ecol Econ.* 2021; 183:106948.
- Bolt J, van Zanden JL. The long view on economic growth: New estimates of GDP. *OECD Library*; 2023.
- Bruns SB, Ioannidis JPA. Determinants of economic growth: Different time different answers? *J Macroecon.* 2020; 63:103185.
- Cartone A, Postiglione PG, Hewings JD. Does economic convergence hold? A spatial quantile analysis on European regions. *Econ Model.* 2021; 95:408–417.
- CRISTESCU, A. TÎLVĂR, G. (2020), The main factors of economic growth in the European Union, *Theoretical and Applied Economics*, Volume XXVI (2020), No. 3(620), Autumn, pp. 5-20.
- Cuaresma JC, Doppelhofer G, Feldkircher M. The determinants of economic growth in European regions. *Reg Stud.* 2021; 48:44–67.
- De Noni I, Orsi L, Belussi F. The role of collaborative networks in supporting the innovation performances of lagging-behind European regions. *Res Policy.* 2018; 47:1–13.
- Diebolt C, Hippe R. The long-run impact of human capital on innovation and economic growth in the regions of Europe. In: *Human capital and regional development in Europe*; 2022. pp. 85–115.
- Doré NI, Teixeira AAC. Empirical literature on economic growth, 1991–2020: Uncovering extant gaps and avenues for future. *Glob J Emerg Mark Econ.* 2021. 15(1).
- Elliott M, Golub B. Networks and economic fragility. *Annu Rev Econ.* 2022; 14:665–696.
- Esen E, Keçili MÇ. Economic growth and health expenditure analysis for Turkey: Evidence from time series. *J Knowl Econ.* 2022; 13:1786–1800.
- Firlej, K. A., Firlej, C., & Luty, L. (2023). Economic growth and decent work as a goal of sustainable development in the European Union in the pre-pandemic and pandemic period. *International Entrepreneurship Review*, 9(1), 61–76. <https://doi.org/10.15678/IER.2023.0901.05>.
- Gardiner R, Hajek P. Municipal waste generation, R&D intensity, and economic growth nexus- A case of EU regions. *Waste Manag.* 2020; 114:124–135.
- Goldbeck M, Lindlacher, V. Digital infrastructure and local economic growth: Early internet in Sub-Saharan Africa. 2021.
- Guo X, Zhang H, Tian T. Development of stock correlation networks using mutual information and financial big data. *PLOS ONE.* 2018; 13:e0195941.



- Huang R, Kale S, Reddy Paramati S, Taghizadeh-Hesary F. The nexus between financial inclusion and economic development: Comparison of old and new EU member countries. *Econ Anal Policy*. 2021; 69:1–15.
- Kilroy A, Ganau R. Economic growth in European Union NUTS-3 regions. World Bank Policy Research Working Paper No. 9494. 2020.
- Mann, K. (2019), The EU, a Growth Engine? The Impact of European Integration on Economic Growth in Central Eastern Europe, FIW Working Paper, No. 136, FIW - Research Centre International Economics, Vienna.
- Masood E. GDP is getting a makeover – What it means for economies, health and the planet. *Nature*. 2022; 611:224–226.
- Masterson V. GDP: What is it and why does it matter? *World Econ Forum*. 2022.
- Mdingi K, Ho S-H. Literature review on income inequality and economic growth. *MethodX*. 2021; 8:101402.
- Mewes L, Broekel T. Technological complexity and economic growth of regions. *Res Policy*. 2020; 104156.
- Morisson A, Pattison M. Smart Specialisation Strategy (S3). Lille: Interreg Europe Policy Learning Platform, 2020.
- Orlik T, Johnson S, Tanzi A. The new economy drivers and disrupters report: Tacking the forces threatening the world's hottest economies. 2020.
- Ozcan B, Ozturk I. Renewable energy consumption-economic growth nexus in emerging countries: A bootstrap panel causality test. *Renew Sust Energ Rev*. 2019; 104:30–37.
- Pilati M, Hunter A. Research for REGI Committee – EU lagging regions: State of play and future challenges. European Parliament, Policy Department for Structural and Cohesion Policies, Brussels; 2020.
- Rickman D, Wang H. U.S. state and local fiscal policy and economic activity: Do we know more now? *J Econ Surv*. 2020; 34:424–465.
- Sigler T, Mahmuda S, Kimpton A, Loginova J, Wohland P, Charles-Edwards E, Corcoran J. The socio-spatial determinants of COVID-19 diffusion: the impact of globalisation, settlement characteristics and population. *Glob Health*. 2021; 17:56.
- Varingani, J. D. Fitzgerald, R. Rodriguez Poz, A. (2023), Investigating how intra-group and out-group social capital affects regional economic growth in the European Union, *Administrative Studies and Research*, No. 17, pp. 62-85.
- Wu C-F, Chang T, Wang C-M, Wu T-P, Lin M-C, Huang S-C. Measuring the impact of health on economic growth using pooling data in regions of Asia: Evidence from a quantile-on-quantile analysis. *Front Public Health*. 2021; 9:689610.
- Yu B, Fang D, Dong F. Study on the evolution of thermal power generation and its nexus with economic growth: Evidence from EU regions. *Energy*. 2020; 205:118053.